

، رابرت وانوی ، پیامبران بزرگ، درس ۱۸  
 بنده خداوند، موضوع (اشعیا ۵۳)، ادامه

اشعیا ۴:۵۳، شفا، خدمت مسیح

ما تازه آیه ۴ از اشعیا ۵۳ را تمام کردیم: «یقیناً او غم‌های ما را بر خود گرفت و دردهای ما را بر خود حمل کرد.» ما در مورد ترجمه آن بحث کردیم و به طور صحیح‌تر فهمیدیم که اشاره‌ای به خدمت شفا بخش مسیح است. سپس با وجود این شفاهای کسانی که معجزات او را دیدند، نفهمیدند که او کیست. ما او را مضروب، مضروب شده توسط خدا و مبتلا به مصلوب شدنش دانستیم.

بباید به آیه ۵ برویم که توضیح می‌دهد. در اینجا توضیحی در مورد اینکه چرا اشعیا ۵:۵۳ چرا او مبتلا شد و رنج کشید، چرا مضروب شد، چرا مورد اصابت قرار گرفت، آمده است. او به خاطر گناهان ما مجروح شد. او به خاطر گناهان ما کوفته شد. تأدیبات برای سلامتی ما بر او آمد، از زخم‌های او ما شفا یافتیم. «آیه پنجم پاسخ به این سوال است که چرا این شخص مبتلا شد و چرا رنج کشید.

است که شما توصیف کفاره را دارید. اول پطرس ۲:۲۴ به این موضوع به عنوان کار کفاره در آیه پنجم مسیح اشاره می‌کند. بنابراین آیه پنجم ایده کفاره جایگزین را ارائه می‌دهد و شما چهار جمله موازی از این ایده را در این یک آیه می‌بینید. او به خاطر گناهان ما مجروح شد، به خاطر گناهان ما کوفته شد، تأدیبات آرامش ما بر او آمد و از زخم‌های او ما شفا یافتیم.» این چهار خط موازی همگی ایده کفاره جایگزین را ارائه می‌دهند.

که در آیه ششم ادامه می‌یابد: «همه ما مانند گوسفندان گمراه شده‌ایم. هر کس را اشعیا ۶:۵۳ کفاره جایگزین به راه خود برگردانده‌ایم و خداوند گناه همه ما را بر او نهاد.» این احتمالاً آشناترین آیه از این متن است که در آن این ایده کفاره جایگزین ادامه می‌یابد و روشن می‌شود که گناه گناهان ما همان چیزی بود که بر مسیح نهاده شد. خداوند گناه همه ما را بر او نهاد.» بنابراین آیات پنج و شش، کفاره جایگزین را»

آیه هفت: «او مظلوم و رنج کشیده بود، اما دهان خود را ننگشود. او را آموزش می‌دهند. اشعیا ۷:۵۳ نه اسرائیل مانند بره به کشتارگاه می‌برند. و مانند گوسفندی که در برابر پشم‌چینان بی‌زبان است، دهان خود را ننگشود.» شما همان ایده‌ای را دارید که در متن قبلی در اشعیا ۵۰ آیه ۶ آمده است: «پشت خود را به زنده‌ها و گونه‌هایم را به کندنندگان مو دادم.» این تسلیم داوطلبانه است. در اینجا دوباره اشاره‌ای به این است که کسی که در این آیات توصیف شده است، ملت اسرائیل نیست. حال به آن موضوع برمی‌گردید که بنده کیست؟ آیا اسرائیل است، یا کسی است که از اسرائیل متمایز است، یک فرد؟ واضح است که این به خوبی در مورد اسرائیل صدق نمی‌کند.» او

مظلوم و رنج کشیده بود، اما دهان خود را نگشود. او را مانند بره به کشتارگاه می‌برند. مانند گوسفندی که در برابر پشم‌چینانش بی‌زبان است، دهان خود را نگشود.» این گفته با رنج غیرارادی اسرائیل در تبعید در تضاد است. در فصل‌های قبلی اشعیا، شکایات اسرائیل را می‌بینید که به سختی با عبارت تسلیم خاموش این آیه مطابقت دارد.

آیه هشتم از ناامیدی ظاهری مرگ او صحبت می‌کند: «او از زندان و از اشعیا ۵۳:۸ ناامیدی از مرگ او داوری گرفته شد. چه کسی نسل او را اعلام خواهد کرد؟ زیرا او از سرزمین زندگان منقطع شد. او به سبب گناه قوم من مضروب شد.» ناامیدی ظاهری مرگ او در این پرسش بلاغی دیده می‌شود: «چه کسی نسل او را اعلام خواهد کرد؟» او در جوانی درگذشت؛ او هیچ نسل و آیندگانی نداشت. گروه کوچکی از شاگردان بودند که در زمان خدمتش با او بودند، اما همه آنها در زمان مرگش او را ترک کردند. و «او از سرزمین زندگان منقطع شده است.» به نظر ناامیدکننده می‌آید. او از زندان گرفته شد، چه کسی نسل او را اعلام خواهد کرد؟ او از سرزمین می‌گوید: «چه کسی می‌تواند از نسل او سخن بگوید.» فکر می‌کنم نکته این است NIV «زندگان منقطع شده است که اینجا شخصی است که به مرگ محکوم شده و هیچ نسلی از او باقی نمانده است. انگار این پایان ماجراست

سپس در عبارت آخر، این سوال پرسیده می‌شود: چرا؟ چرا این اتفاق افتاد؟ عبارت آخر دوباره با کفاره «جایگزین پاسخ می‌دهد.» به خاطر گناه قوم من است که او مضروب شد

بسیاری از یهودیان اشعیا ۵۳:۹ به همراه مردان شریر (جمع) و یک مرد ثروتمند (اسماعیل) دفن شد احتمالاً در این آیات، کل تاریخ خود را به عنوان تاریخ آزار و اذیت و اقدامات یهودستیزانه از هر نوعی می‌بینند، زیرا آنها در معرض انواع سوءاستفاده‌ها قرار گرفته‌اند. ببینید به آیه نهم برویم. آیه نهم در کینگ جیمز، عبارت اول، می‌گوید: «و او در مرگ خود، قبر خود را با شریران و با ثروتمندان ساخت.» دوباره به نقل قول‌های شما، صفحه ۳۲، نگاه کنید. من چند پاراگراف دیگر از مکرری گرفته‌ام. او بحث بسیار جالبی در مورد آیه نهم دارد که فکر می‌کنم واقعاً به درک یا برجسته کردن نکته‌ای که در آیه نهم در رابطه با کار مسیح مطرح شده است، کمک می‌کند. نیمه اول آیه نهم، پیش‌بینی قابل توجهی از یک اتفاق غیرمعمول است که در رابطه با مصلوب شدن مسیح رخ می‌دهد. در اینجا ترجمه نسخه کینگ جیمز تا حدودی نادرست است. وقتی کلمات به طور دقیق ترجمه شوند، ارتباط آنها با آنچه در هنگام مرگ مسیح رخ داد، بسیار واضح‌تر می‌شود. این امر به ویژه در مورد بند اول صادق است. در اینجا نسخه کینگ جیمز می‌گوید: «او قبر خود را ساخت.» «...که باید قبر باشد،» «با شریران.» «با این حال، فعل استفاده شده معمولاً به صورت «ساختن» ترجمه نمی‌شود. رایج‌ترین ترجمه آن «دادن» است. این کلمه عبری بسیار رایجی است. رایج‌ترین ترجمه آن «دادن» است؛ اغلب برای انتصاب یا تعیین تکلیف استفاده می‌شود. همانطور که در نسخه کینگ جیمز ترجمه شده است، به نظر می‌رسد که خود بنده قبر خود را ساخت. بنابراین

می‌گوید: «او قبر خود را با شریران ساخت.» در واقع این عبارت غیرشخصی است. این کاربرد در بسیاری از زبان‌ها رایج است، اما معمولاً در انگلیسی به این شکل بیان نمی‌شود. اصطلاح ما این است: «آنها قبر او را تعیین کردند» یا «قبر او تعیین شد». «کلمه‌ای که در عبارت» او قبر خود را با شریران ساخت «به صورت» شریر «ترجمه شده است، کلمه‌ای که در عبارت» او قبر خود را با شریران ساخت «به صورت» شریر «ترجمه شده است، جمع است اما حرف تعریف ندارد. این در زبان عبری است؛ جمع است اما حرف تعریف ندارد. در شکل است. دقیق‌تر این است که آن را به صورت «مردان شریر» ترجمه کنیم و کل جمله را به *resha'im* جمع آن صورت «قبر او با مردان شریر تعیین شد» ترجمه کنیم.

می‌بینی که چطور جریان دارد. از آنجایی که عیسی بین دو دزد مصلوب شد، طبیعتاً انتظار می‌رفت که «با آنها دفن شود. رسم رومی این بود که یا تبهکاران را دفن نمی‌کردند یا با دفن گروهی در مکانی ناپاک، آنها را رسوا می‌کردند. در نسخه کینگ جیمز، آیه ادامه می‌یابد: «و با ثروتمندان در مرگ او.» «حرف ربط ترجمه شده و «اغلب به معنای» اما «یا» هنوز «است. و اغلب در نسخه کینگ جیمز به این صورت ترجمه می‌شود. این ایده» را می‌توان با «و» بیان کرد، اما اگر کلمه «اما» ترجمه شود، واضح‌تر بیان می‌شود. کلمه‌ای که در نسخه کینگ جیمز به «ثروتمند» ترجمه شده است، مفرد است و حرف تعریف ندارد. دقیق‌تر این است که به «مرد ثروتمند» ترجمه شود. انتظار می‌رفت که جسد عیسی در کنار مردان شروری که در کنارش مصلوب شده بودند، دفن شود، اما جسد او به جای دفن شدن در کنار آنها، در مقبره یک مرد ثروتمند قرار داده شد. این چیزی بود که نمی‌توانست اتفاق بیفتد، مگر در نتیجه درخواست یک مرد ثروتمند از پونتیوس پیلاطس (متی ۲۷:۵۷-۶۰)

وقتی آیه دقیقاً ترجمه شود، به راحتی می‌توان دید که این پیشگویی دقیقاً در رابطه با مرگ مسیح محقق شده است. اما می‌بینید که ترجمه بهتر آن به گفته مکری این است: «قبر او با مردان شرور تعیین شد، اما با مرگ «مرد ثروتمند»

مکری در دو پاراگراف بعدی ادامه می‌دهد: «مفسرانی که می‌خواهند اشعیا ۵۳ را به چیزی غیر از قربانی مسیح نسبت دهند، در کلمات «مرد ثروتمند» مانع بزرگی می‌بینند. آنها می‌گویند که این کلمات در متن بی‌معنی هستند و پیشنهاد می‌کنند که کلمه دیگری مانند «شروران» جایگزین شود. با این حال، همه نسخه‌های خطی در خواندن «مرد ثروتمند» اتفاق نظر دارند. اشاره به بدکارانی که او با آنها کشته شد، در حالت جمع با مفرد کلمه «مرد ثروتمند» دنبال می‌شود. در نسخه کامل اشعیا که در طومارهای دریای مرده یافت شده است، کلمه عبری «مرد ثروتمند» ابتدا به صورت جمع نوشته شده و سپس انتهای جمع آن پاک شده است. می‌توانید این را در نسخه خطی ببینید. در بولتن مدارس آمریکایی تحقیقات شرقی، پروفیسور میلار باروز از بیبل اشاره کرد که این اتفاق چقدر آسان می‌تواند رخ دهد. بدیهی است که کاتب ابتدا این کلمه را تحت تأثیر کلمه جمع قبلی برای «مردان شرور» به صورت جمع نوشته است. و سپس کاتب متوجه شد که نسخه خطی که از آن رونویسی شده، «مرد ثروتمند» را به صورت مفرد دارد. و بنابراین جمع آن را پاک کرد. بنابراین طومارهای دریای مرده شواهد

«بیشتری از صحت قرائت» مرد ثروتمند «به جای» شروران

ارائه می‌دهند. این را می‌توان «پیشگویی غیر ارگانیک» نامید «مکری در مورد» پیشگویی غیر ارگانیک صحبت می‌کند. منظور او از این عبارت این است: «پیشگویی ارگانیک» پیشگویی ای است که پیش‌بینی می‌کند چگونه خدا اهداف بزرگ خود را به انجام خواهد رساند. «پیشگویی غیر ارگانیک» پیش‌بینی یک ویژگی فرعی است که به نظر نمی‌رسد مستقیماً به پیشبرد یک هدف الهی کمک کند، بلکه صرفاً به عنوان مدرکی عمل می‌کند که آنچه اتفاق می‌افتد در واقع همان رویدادی است که پیش‌بینی شده است. دفن در مقبره یک مرد ثروتمند، دستاورد بنده را در دفن گناه بشریت گناهکار افزایش نمی‌دهد. این یک نکته فرعی است و به خودی خود هیچ اهمیتی در مورد کار کفار مسیح ندارد. این یک نکته‌ی ضمنی است که ۷۰۰ سال پیش از وقوع آن ذکر شده و به این اعدام خاص، همانطور که در اشعیا ۵۳ پیش‌بینی شده است، اشاره دارد. در مشیت الهی، این واقعیت که عیسی در یک مقبره‌ی جدید و زیبا دفن شد، وسیله‌ای الهی برای ارائه شواهد قانع‌کننده‌ای از رستخیز او بود. اگر بدن او به سادگی در قبر یک جنایتکار انداخته می‌شد، وضعیت ممکن بود کاملاً متفاوت باشد. واقعیت قبر خالی یکی از شواهد بزرگ رستخیز است. بنابراین، باز هم، دفن شدن مسیح در مقبره‌ی یک مرد ثروتمند یک امر ضمنی است، و با این حال، شیوه‌ی شگفت‌انگیزی که این پیشگویی دقیقاً آنچه را که در رابطه با مرگ مسیح اتفاق افتاده است، پیش‌بینی می‌کند، تأیید قابل توجهی بر این واقعیت است که تحقق این پیشگویی با مرگ و دفن مسیح حاصل می‌شود.

مکری در رابطه با بخش اول آیه نهم، هم در درک منظور و هم در ارتباط با عهد جدید مفید مشاهدات است. مکری می‌گوید: «همانطور که در کینگ جیمز ترجمه شده، به نظر می‌رسد که انگار خود خدمتکار قبرش را ساخته است. در واقع، این عبارت غیر شخصی است؛ این کاربردی است که در بسیاری از زبان‌ها یافت می‌شود، اما معمولاً به این شکل در انگلیسی بیان نمی‌شود. اصطلاح ما این است: «آنها قبر او را تعیین کردند.» به عبارت دیگر، برای اینکه نحوه استفاده از این عبارت در انگلیسی را به خوبی درک کنید، تقریباً باید آن را به «صورت مجهول بیان کنید»: قبر او تعیین شد

مهم‌تر از آن، ایده جمع است. در زبان عبری حرف تعریف ندارد. بنابراین قبر او با «مردان شرور» تعیین شد. قبر او با مردان شرور تعیین شد به این دلیل که او با دو جنایتکار دیگر مصلوب شد. تا آنجا که به این وضعیت مربوط می‌شود، انتظار می‌رود که او سپس با مردان شرور دفن شود. قبر او با مردان شرور تعیین شد. اما با مرگ مرد ثروتمند «به مفرد تغییر می‌کند. شما واقعاً حرف تعریف را با هیچ‌کدام ندارید.

بیا بید به بخش آخر آیه نهم بپردازیم. عبارت آخر آیه نهم در واقع بیشتر با آیه دهم همخوانی دارد تا با آیه است که در واقع به معنای «درباره این واقعیت «یا» یا «al» نهم. کلمه‌ای که «زیرا» ترجمه شده، کلمه عبری توجه به «است. بنابراین، «درباره این واقعیت» که او هیچ خشونت‌ی نکرده بود، کینگ جیمز در آنجا می‌گوید

زیرا»، اما بهتر است آن را «درباره این واقعیت که او هیچ خشونت نکرده بود، و هیچ فریبی در دهانش نبود،» بلکه خداوند را پسند آمد که او را کیود کند «ترجمه کنیم

حال، وقتی می‌خوانید «خداوند را پسند آمد که او را مضروب کند»، فکر می‌کنم کلمه «پسندید» کلمه‌ای است که از هدف خدا به عنوان از پیش مقدر شده صحبت می‌کند. به این معنا، خشنودی خدا بود. این چیزی است که او پیش از بنیان جهان مقدر کرده بود. رستگاری از این طریق حاصل خواهد شد». اما در مورد این واقعیت که او هیچ کار بدی نکرده بود: هیچ خشونت و فریبی در دهانش نبود. با این وجود، خداوند را پسندید - این هدف «خداوند بود - که او را مضروب کند. او او را به غم و اندوه انداخت

کلمه «غم» همان کلمه‌ای است که در آیه چهارم آمده است: «یقیناً او غم‌های ما را بر خود گرفته است.» این همان ایده درد جسمی است. او را به غم و اندوه دچار کرده است. «متوجه می‌شوید که عبارت «خداوند را خشنود ساخت که او را کیود کند» در انتهای آیه آمده است. چون جان او را قربانی گناه کنی، بذری خواهد دید، روزهایش را طولانی خواهد کرد و خشنودی خداوند در دست او به انجام خواهد رسید.» بنابراین دوباره به کلمه لذت «برمی‌خورید. خدا پسرش را داد تا بر روی صلیب بمیرد تا اهدافش در مرگش محقق شود». خشنودی «خداوند» به این معنی است که اهدافش در دست او به انجام خواهد رسید. در انگلیسی، کلمه «لذت» این ایده است که نوعی لذت از آن حاصل شده است. تأکید این نیست؛ بلکه ایده اهداف ابدی خدا، خشنودی اوست

در اواسط آیه دهم، یک سوال ترجمه جالب وجود دارد. این تأثیر زیادی روی معنی اشعیا ۱۰:۵۳ قربانی گناه استاندارد جدید آمریکایی و برکلی را، NIV، ندارد، اما بیابید نگاهی به آن بیندازیم. بیابید نسخه‌های کینگ جیمز می‌گوید: «و NIV» «با هم مقایسه کنیم. برای مثال، کینگ جیمز می‌گوید: «وقتی که جان او را قربانی گناه می‌کنی می‌گوید: اگر او خود را به عنوان قربانی گناه تقدیم کند.» NASV «اگرچه خداوند جان او را قربانی گناه می‌کند برکلی می‌گوید: «وقتی که جان او قربانی گناه می‌شود.» در ترجمه، این جایی است که بیشتر تفاوت‌ها بروز می‌بینید: «اگر خداوند جان او را قربانی گناه NIV می‌کنند. سوال این است: فاعل چیست؟ باید آن را وارد کنید. در می‌کند.» بنابراین اگر دوم مفرد مذکر باشد، فرض می‌کنید «خداوند» فاعل است. کینگ جیمز می‌گوید «وقتی که تو»، دوم مفرد مذکر. خداوند، «وقتی که جان او را قربانی گناه می‌کنی»، زندگی بنده قربانی گناه می‌شود. اما اگر سوم مؤنث مفرد باشد - ببینید، نمی‌توانید شکل دوم مذکر و سوم مؤنث مفرد را در زبان عبری تشخیص دهید؛ آنها یکسان هستند. بنابراین می‌تواند به طور مساوی سوم مؤنث مفرد باشد. اگر سوم مؤنث مفرد باشد، کلمه عبری *נִפֵּשׁ* فاعل است. ببینید، مانند برکلی، «وقتی روح او»، روح مؤنث است. *נִפֵּשׁ* مؤنث است. بنابراین اگر این فعل را به عنوان سوم مؤنث در نظر بگیرید، *נִפֵּשׁ* یا روح، فاعل است. و وقتی روح او قربانی گناه خواهد بود. «سوال این است که *נִפֵּשׁ* /روح/ زندگی را به عنوان فاعل در نظر می‌گیرید یا آن را به عنوان دوم مذکر مفرد در نظر می‌گیرید و «خداوند»، تو خداوند، را به عنوان فاعل دارید. فکر نمی‌کنم نتیجه خیلی متفاوت باشد،

شما هنوز هم کفاره جایگزین را به وضوح آموزش می‌دهید، هر طور که آن را ترجمه کنید. دیدگاه دوم مذکر مفرد قطعاً امکان‌پذیر است. اما سوال واقعی در مورد آن ترجمه این است که این باعث تغییر فاعل NIV از شاه جیمز و از سوم شخص به دوم شخص در متن می‌شود. می‌بینید: خداوند را پسند آمد که او را کبود کند. او او را به غم و اندوه انداخته است. «آیا قرار است از سوم شخص به دوم شخص تغییر دهید؟ اگر سوم شخص مفرد مونث ناقص را در نظر بگیرید، آن تغییر در فاعل به دوم شخص را نخواهید داشت. وقتی به همان روشی که بوده ادامه دهید، خداوند را خشنود ساخت که او را کبود کند. او او را به غم و اندوه انداخته است. وقتی روح او قربانی گناه شود، «نسل خود را خواهد دید که روز هایش را طولانی می‌کند. لذت خداوند به نام او شکوفا خواهد شد.» بنابراین، یک سوال جالب از ابهام وجود دارد که به دلیل شکل فعلی در مورد سوال در مورد فاعل مطرح می‌شود. من ترجیح می‌دهم «روح او» فاعل باشد یا «زندگی او». «این موضوع جالب دیگری را مطرح می‌کند.

در ذیل کلمه «آشام» «به معنای» قربانی گناه «نگاهی BDB بیابید به پاراگرافی از فرهنگ عبری بیندازیم. در این فرهنگ آمده است: «به نظر می‌رسد این قربانی محدود به جرایم علیه خدا یا انسان بوده است که قابل تخمین و جبران خسارت بوده‌اند. یک قربانی جرم معمولی، یک قوچ به همراه غرامت و جریمه‌ای به میزان یک پنجم ارزش آن بوده است.» و من همه آن را نمی‌خوانم، اما به سطر آخر توجه می‌کنم. بنده مسیحایی خود را به عنوان «آشام» به عنوان غرامت گناهان مردم تقدیم می‌کند و به عنوان جایگزین آنها مداخله می‌کند. اشعیا این صفحه سی و یکم از زیر صفحه شماس است.» ۵۳:۱۰

بنده مسیحایی خود را به عنوان یک آشام، قربانی گناه، تقدیم می‌کند. به ارتباط آن با لایوان ۱۷:۱۱ نیز توجه کنید. لایوان ۱۷:۱۱ آیه‌ای کلیدی در لایوان است. در آن آمده است: «زیرا جان جسم در خون است.» و این کلمه **نَفِیش** است. آن کلمه «حیات». «جان جسم در خون است. من آن را بر روی قربانگاه به شما داده‌ام تا کفاره‌ای برای جان‌های شما [جان‌های شما] باشد. زیرا خون است که کفاره‌ای برای جان می‌کند.» کلمه **نَفِیش** به صورت مفرد یا جمع، سه بار در لایوان ۱۷:۱۱ آمده است. و اینجا در اشعیا ۵۳ می‌بینید که عبارت «**نَفِیشُو**» «به معنای جان او» «به منزله» **آشَم** «یا قربانی گناه است. بنابراین جان این بنده به منزله قربانی گناه است. به نظر من، «این یکی از واضح‌ترین اظهارات در مورد کفاره جایگزین در این فصل است. شما تعدادی از آنها را در این فصل دارید، اما این یکی از آنها بسیار قوی است: **زندگی او، نَفِیش او،** به منزله **آشَم** «یا قربانی گناه است.

عبارت بعدی «ذریتی خواهد دید» است. این عبارت در مورد نتایج قربانی بنده اظهار نظر می‌کند. آیه ۸ می‌گوید: «او از سرزمین حیات منقطع شد. چه کسی نسل او را اعلام خواهد کرد؟ او نسلی نداشت.» با این حال، در اینجا گفته شده است که در نتیجه قربانی که او تقدیم می‌کند، «ذریت خود را خواهد دید. عمر او طولانی خواهد شد.» بنابراین او نسلی خواهد داشت. به نظر می‌رسد که عمر او منقطع شده است، اما در اینجا می‌گوید که او عمر خود را طولانی خواهد کرد. فکر می‌کنم در اینجا اشاره‌ای به رستاخیز دارید. اینکه حتی اگر او کشته شد، دوباره

زنده خواهد شد. بنابراین او نسل خود را خواهد دید؛ نسلی وجود خواهد داشت. البته، فکر می‌کنم منظور از این، قوم رستگار شده است، کسانی که از کاری که او انجام داد بهره‌مند شدند، کسانی که به کار او اعتماد کردند.

اشعیا ۱۱:۵۳ مفعول مفعولی: دانش در مورد او

آیه یازدهم». او رنج جان خود را خواهد دید و سیر خواهد شد. بنده عادل من به دانش او بسیاری را عادل خواهد شمرد، زیرا او گناه ایشان را بر دوش خواهد کشید.» می‌توانید در مورد عبارت دوم سؤالی بپرسید: بنده عادل من به دانش او بسیاری را عادل خواهد شمرد.» آیا منظور از دانشی که بنده دارد، «به دانش او» است؟ یا دانشی است که دیگران درباره بنده دارند؟ به عبارت دیگر، این سؤال مفعولی در مقابل مفعولی است. من فکر می‌کنم به احتمال زیاد «او» «باید به عنوان مفعولی در نظر گرفته شود نه مفعولی. بنابراین عبارت به معنای «به دانش درباره او» است. این دانش *آنها* از آنچه *او* انجام داده است. با دانشی که آنها دارند، بنده بسیاری را عادل اعلام خواهد کرد.

آخرین آیه اشعیا ۵۳: «بنابراین او را با بزرگان نصیبی خواهم داد و غنیمت. اشعیا ۱۲:۵۳ او پیروز خواهد شد خود را با زورمندان تقسیم خواهد کرد.» سپس چندین عبارت خلاصه دریافت می‌کنید «زیرا او جان خود را به کام مرگ ریخت. او از خطاکاران شمرده شد. او گناه بسیاری را بر دوش کشید و برای خطاکاران شفاعت کرد.» من فکر می‌کنم عبارات آخر کاملاً واضح هستند: تکرار ایده‌هایی که قبلاً در این فصل بیان شده است، در اینجا وجود دارد.

بخش اول آیه، بخشی است که اغلب در فهم آن مشکل ایجاد می‌شود. بنابراین، او را با بزرگان تقسیم خواهم کرد و او غنیمت را با زورمندان تقسیم خواهد کرد.» به صفحه ۲۹ نقل قول‌های شما نگاه کنید؛ من تمایل دارم این را به روشی که الکساندر در تفسیر خود پیشنهاد می‌دهد، بخوانم. الکساندر می‌گوید: «بنابراین، بهتر است ساختار معمول مورد تأیید کالوین، گزنیوس و ایوالد را بپذیریم که فرض می‌کند او برابر با بزرگترین فاتحان توصیف می‌شود.» به عبارت دیگر، شما در اینجا اصطلاحی دارید که در آن خدمتکار به عنوان یک فاتح به تصویر کشیده شده است.» اگر این کافی نیست، یا اگر معنا، همانطور که مارتینی ادعا می‌کند، سرد و بی‌روح است، تقصیر مفسر نیست که حق ندارد عبارات نویسنده خود را با استفاده از ساختارهای اجباری تقویت کند.» الکساندر در اینجا چیزی را پیشنهاد می‌کند: «معنای ساده بند اول این است که او پیروز خواهد شد؛ نه اینکه دیگران در پیروزی او شریک خواهند بود.» می‌دانید وقتی می‌گوید «غنیمت را با زورمندان تقسیم خواهد کرد»، معنی ساده‌اش این است که «او پیروز خواهد شد؛ نه اینکه دیگران در پیروزی او شریک باشند، بلکه او در کار خود به همان اندازه باشکوهی موفق خواهد بود که سایر فاتحان در کار خود بوده‌اند.» اغلب با این سوال از مفسرانی مواجه می‌شوید که سعی می‌کنند این موضوع را به صورت تحت‌اللفظی دقیق‌تر بررسی کنند. آنها

می‌پرسند: زورمندی که او قرار است غنایم خود را با او تقسیم کند کیست؟ و شما در این مورد وارد انواع بحث‌ها می‌شوید. الکساندر با گفتن این جمله از این موضوع طفره می‌رود: «تصویری که در بند اول آیه دوازدهم استفاده شده است، صرفاً این است که مسیح در کاری که به او محول شده است، موفق و پیروز خواهد شد و تصویری که «استفاده شده، تصویر یک رهبر یا پادشاه فاتح است. ایده ساده این است که او پیروز است»

اشعیا ۵۳ فصل فوق‌العاده‌ای است. همانطور که اشاره کردم، این ما را به انتهای بخش‌های مربوط به خدمتکاران می‌رساند. از این به بعد شما «خدمتکاران» «را به صورت جمع می‌خوانید، اما دیگر خبری از خدمتکار» «به صورت مفرد نیست. در ادامه به نتایج کار خدمتکار خواهیم پرداخت. بعد از میان‌ترم، احتمالاً یک «جلسه را به اتمام اشعیا ۵۴، ۵۵ و ۵۶ اختصاص خواهیم داد»

رونویسی توسط برندی هال  
ویرایش خام توسط کارلی گیمن  
تدوین: بتد هیلدبرانت  
ویرایش نهایی توسط دکتر پری فیلیپس  
روایت مجدد توسط دکتر پری فیلیپس